



نیلوفر مژه‌دی خبرنگار

برای اهالی فوتبال خبر کوتاه بود و جذاب! محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس بر اهمیت افزایش سهم باشگاه‌های فوتبال از درآمدهای حق پخش تلویزیونی صداوسیما تأکید کرد. به این ترتیب که مجلس مهم‌ترین منبع درآمد پایدار باشگاه‌هایِ حق پخش مسابقات را به رسمیت شناخت. از این رو طبق مصوبه مجلس، باشگاه‌ها مالک تمامی حقوق برگزاری مسابقات از جمله حق پخش تلویزیونی هستند. در این قانون آمده است که وزارت ورزش و جوانان با همکاری وزارت ارشاد سه ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون کیفیت و کمیت را باید به اطلاع هیئت وزیران برسانند. این جملات کمی آشنا به نظر می‌رسد؛ چراکه پیش از این در لایحه قدیمی‌تری نیز آمده بود که به منظور توسعه ورزش همگانی و قهرمانی سازمان صدا و سیما مکلف است با هماهنگی وزارت ورزش جوانان آیین‌نامه نحوه تعیین میزان حق پخش تلویزیونی مسابقات ورزشی و چگونگی تأمین آن بین ذینفعان را با لحاظ کیفیت و کمیت مسابقات و تعداد مخاطبان ظرف سه ماه از لازم‌الاجرا شدن این قانون تهیه و به تصویب هیئت وزیران برساند. مقایسه این دو مصوبه نشان می‌دهد که تفاوت فقط در این است که در مصوبه قبلی وزارت ارشادی در کار نبود و همه چیز به همکاری وزارت ورزش و صداوسیما ختم می‌شد. شاید به همین دلیل است که بسیاری از علاقه‌مندان به فوتبال و صاحب‌نظران چندان به تصویب جدید قانون و اجرا شدن آن امیدوار نیستند. از طرفی در بودجه ۱۴۰۴ مبلغ ۵۰۰ میلیارد تومان برای حق پخش در نظر گرفته شده بود که در مقایسه با هزینه باشگاه‌داری ناچیز است. همگان می‌دانند که شرایط مالی و اقتصادی دولت به حدی نیست که بتواند ردیف بودجه‌ای برای پرداخت حق پخش در نظر بگیرد. چیزی که صداوسیما پرداخت آن را ملزم به اجرای ردیف بودجه می‌داند. از این رو به نظر می‌رسد قانون‌گذاران دور باطل می‌زنند؛ چراکه حتی با امیدواری به وجود آمده در بین اهالی فوتبال، تازمانی که تکلیف نحوه اجرای آن مشخص نشود نمی‌توان نسبت به آن خوش‌بین بود.

تأکید راستینه به پرداخت حق پخش

با توجه به نظرات متفاوتی که در خصوص لایحه نظام جامع باشگاه‌داری مطرح شده است اما نمایندگان مجلس و اعضای فراکسیون ورزش ترجیح می‌دهند فعلاً توضیح ندهند. احمد راستینه، سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی اعتقاد دارد تاکنون این طرح مورد غفلت قرار گرفته و از این رو نسبت به اتفاقات اخیر خوش‌بین نیست. در بودجه ۱۴۰۴ برای اولین بار با حمایت سازمان برنامه و بودجه کشور ردیفی ایجاد شده به نام حق پخش که ۵۰۰ میلیارد تومان بود برای حمایت از دستگاه‌های پیش‌بینی شد و این نیاز به قانون داشت. با رأی نمایندگان مجلس، دولت مکلف شدد هر ساله ردیفی را تحت عنوان حق پخش در منابع صداوسیما در نظر بگیرند به این ترتیب مجلسی‌ها در نظر دارند که با حمایت دولت این قانون که سال‌ها در دفاتر دولتی خاک می‌خورد را به مرحله اجرا برسانند. به اعتقاد راستینه با رایّی که اخیراً نمایندگان داده‌اند نمتنها حق پخش تلویزیونی که حتی پلتفرم‌ها و شبکه‌های رسانه‌ای نیز ملزم به رعایت حق باشگاه‌ها هستند. در واقع از آنجا که همگان می‌دانند پلتفرم‌ها و صداوسیما درآمد زیادی از تبلیغات فوتبال و ورزش دارند این مجلسی‌ها هستند که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت ورزش را مکلف کردند

مجلس با تصویب قانون حق پخش تلویزیونی گامی مهم برای این حق مهم ورزش برداشت اما ضمانت اجرایی آن چقدر است؟

قانونی برای اجرا نشدن!



تا با یکدیگر آیین‌نامه تنظیم کرده و مسئولیت‌های خود نسبت به باشگاه‌ها در خصوص درآمدها را تعیین کنند تا به این شکل منابع خوبی برای حمایت از باشگاه‌ها ایجاد شود.

رجائیان: جذب مخاطب

ملاکی برای تخصیص حق پخش باشد

محمد رجائیان، مدیرعامل باشگاه آلومینیوم با اشاره به اینکه باید از نمایندگان مجلس برای لایحه نظام جامع باشگاه‌داری تشکر کرد به خبرنگار «فرهیختگان» گفت: «در دنیا ۷۰ درصد کارکرد باشگاه‌ها بر اساس بودجه‌ای است که از حق پخش به دست می‌آید. به همین دلیل است که می‌توانند صنعت فوتبال را به شکل راحت‌تری مدیریت کنند. به اعتقاد من در کنار وزارت ورزش و وزارت ارشاد جای وزارت ارتباطات و فناوری نیز خالی است؛ چراکه پلتفرم‌هایی که به فوتبال می‌پردازند بی‌ارتباط با وزارت ارتباطات نیستند. اگر مجلس مصوب کرده حق پخش متعلق به باشگاه‌هاست که قانون است و باید اجرا شود. در تبصره ۱ این قانون آمده است که به منظور ارتقای سلامت جامعه و ترویج فرهنگ ورزش و دسترسی رایگان به مسابقات ورزشی؛ رئیس سازمان برنامه و بودجه موظف است اعتبارات لازم برای حق پخش را در نظر بگیرد. وقتی در این حد مصو به صورت می‌گیرد، دولت و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت ورزش وظیفه دارند به جمع‌بندی برسند و مدل حق پخش را مشخص کنند. پس جای تردیدی باقی نمی‌ماند. در نتیجه اهمیت موضوع این است که مجلس مشخص کرده سازمان مدیریت برنامه‌بودجه باید بودجه اختصاص دهد. به اعتقاد من حالا که قانون شده لازم‌الاجرا است.»

مدیرعامل باشگاه آلومینیوم در خصوص تخصیص و درجه‌بندی پرداخت حق پخش گفت: «موارد مهمی در این خصوص دخیل است. قانون‌مدار بودن و شفاف‌بودن باشگاه‌ها در کنار میزان تماشاگران و استقبالشان از مسابقات مواردی است که می‌تواند در این خصوص دخیل باشد رتیکتیک تیم‌ها در فصول گذشته و میزان تأثیرگذاری و جذب مخاطب در پلتفرم‌ها نیز بسیار مهم است. وقتی

مجلس وزارت ارشاد را وارد موضوع کرده قطعاً غرأعد و قوانینی هم در نظر دارند که عدالت در تخصیص حق پخش صورت گیرد. اما نظر من این است که میزان تأثیرگذاری و جذب مخاطب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.»

فریدونی: از نظر من این قانون

برای اجرا نشدن است

مجتبی فریدونی، عضو هیئت‌مدیره باشگاه استقلال با اشاره به اینکه همچنان قانون حق پخش ناامیدکننده به نظر می‌رسد به «فرهیختگان» گفت: «این ادامه اتفاقاتی است که در برنامه ششم و هفتم و قانون بودجه ۹۹ و قانون بودجه ۱۴۰۰ رخ داد و هیچ کدام اجرایی نشد. در آن مقطع هم قرار بود حق پخش سه ماه پس از ابلاغ اجرایی شود. برنامه در تیرماه ابلاغ شده بود و قرار بود تا مهر اجرا شود که نشد. حالا دوباره همان موضوع را در قالب دیگر مطرح کردند. تنها فرق این است که در این قانون شناسایی کردند که حقوق مطرح‌شده متعلق به باشگاه‌هاست. آیا تا پیش از این به این موضوع شک داشتیم؟ طبیعی است که وقتی محتوا را باشگاه تولید می‌کند حق با اوست اما سؤال این است که خریدار کیست؟ صداوسیما تنها خریدار انحصاری مسابقات است به این معنی که کالای موجود فقط یک خریدار دارد. اگر صداوسیما نخرد باشگاه‌ها می‌خواهند چه کار کنند؟ پلتفرم‌ها نیز تحت پوشش صداوسیما هستند. طبق اصل ۱۵۷ و ۱۴۴ قانون اساسی حق پخش هر صوت و تصویر به صورت انحصاری در اختیار صدا سیماست. هر پلتفرمی که می‌خواهد بخرد باید از صداوسیما اجازه بگیرد. در پایان این قانون آمده که سازمان برنامه‌بودجه باید اعتبار لازم را به صداوسیما برای پرداخت حق پخش اختصاص دهد. سؤال اساسی این است که سازمان برنامه‌بودجه‌ای که مشکلات عدیده و پرداخت‌های کلان دارد در شرایط فعلی که کشور دچار بحران مالی است چگونه می‌خواهد برای حق پخش ردیف بودجه تعیین کند و بپردازد؟ همین حالا هم با کسری بودجه روبه‌روست. ضمن اینکه در قانون بودجه ۵۰۰ میلیارد تومان برای حق پخش کلیه رشته‌های ورزشی در نظر گرفته شده است. واقعیت این است که

در پرداخت همین مبلغ هم شک و شبیهه وجود دارد. از این رو این قانونی است که دوباره اجرا نمی‌شود و دوری باطل است. حق پخش در عمل کاری ندارد؛ چراکه در انحصار صداوسیماست و این سازمان هم نمی‌خواهد حق پخش را بخرد و ادعا می‌کند دولت بودجه‌اش را بدهد تا او بخرد. دولت هم پولی ندارد تا درازای آن پرداخت کنند. اگر هم بدهد در نهایت از جیب ملت می‌رود؛ چراکه وقتی دولت پول نسدارد از بانک مرکزی قرض می‌کند که در نتیجه آن تورم به وجود می‌آید و هزینه تورم را مردم می‌دهن. د از نظر من این قانون برای اجرا نشدن است.»

محمودی: حق پخش بهترین مصوبهٔ مجلس است

مهدی محمودی، وکیل حقوقی ورزش به لایحه نظام جامع باشگاه‌داری خوش‌بین است. وی در این خصوص به «فرهیختگان» گفت: «پیش از این هم بحث این قانون وجود داشت و در زمان ریاست عزیزی‌خادم در فدراسیون فوتبال اجرا شد و سه قرارداد در این خصوص بستند و با دلار ۸۰۰ تومانی ۱۷ میلیارد دریافت کردند. صداوسیما قبول دارد که باید حق پخش پرداخت کند اما ادعا می‌کند به شرطی که بودجه حق پخش برای صداوسیما در مجلس تصویب شود آن را اجرا می‌کند. طبق قانون اما چنین چیزی ممکن نیست و این خلایق قانونی بوده که در حال مرتفع شدن است. به نظر من در شناسایی این حق هم بحث بود اما حالا مشخص شده که حق متعلق به باشگاه‌هاست و نه صداوسیما یا سازمان لیگ یا فدراسیون، اما باید این قانون به طور کامل مشخص شود تا بتوان برای آن ردیف بودجه هم در نظر گرفت.»

وی ادامه داد: «ما می‌دانیم که صداوسیما از تبلیغات پول‌زیادی به دست می‌آورد. می‌تواند از این طریق حق پخش را پرداخت کند؛ چرا که رقم تبلیغات به شدت وحشتناک است. از این رو لازم است که حالا که این موضوع جدی گرفته شده گروهی نظارتی گذاشته و میزان درآمد صداوسیما از فوتبال مورد ارزیابی قرار بگیرد. با محاسبه دقیق می‌توان درصدی را به ورزش تعلق داد که آن هم نیازمند بررسی شرایط است. حتی سازمان برنامه‌بودجه می‌تواند هبتنی نظارتی برای ایسن مهم در نظر بگیرد و ادعا کن باید از طریق تبلیغاتی که در ازای فوتبال یا هر رشته ورزشی دیگری دریافت می‌کنند حق پخش را بپردازند. این می‌تواند یک راهکار باشد البته ما معمولاً در گزارش‌های مالی شفاف نیستیم اما می‌توان با نظارت دقیق، مبلغ مشخصی را در نظر گرفت. صدا و سیما این درآمد را به هر حال کسب می‌کند. در ازای پول بیشتری که درمی‌آورد کارمند بیشتری استخدام می‌کند. در نتیجه می‌توان بخشی را به ورزش تعلق داد. حالا با توجه به این قانون صداوسیما مجبور است که این کار را انجام دهد. برای پرداخت این پول هم می‌توان قانونی در نظر گرفت. طبیعتاً باشگاه‌ه کی بیننده بیشتری دارد، حق بیشتری برای خود قائل است. پرداخت حق پخش به باشگاه‌ها فرمول خود را دارد. ۴۰ درصد بر اساس رتبه باشگاه‌هاست که بین تیم اول تا شانزدهم متغیر است. بخش دیگری از آن را بر اساس تعداد تماشاگران و موارد دیگر مشخص می‌کنند. طبیعی است باشگاه‌هایی مثل استقلال پرسپولیس به دلیل بیننده بیشتری که دارند حق بیشتری دریافت می‌کنند. ضمن اینکه تعداد مسابقاتی که پخش مستقیم می‌شود نیز درصدی به باشگاه‌ها تعلق می‌گیرد. از نظر من این قانون ملزم به اجرا است. هر چند قانون خوبی است اما کامل نیست و امیدوارم به زودی آیین‌نامه اجرایی آن را بنویسند؛ چراکه از بهترین مصو به‌های مجلس طی سال‌های اخیر است.»

رقبای دروازه‌بان ناآمادهٔ تراکتور در تیم ملی همچنان فرصت‌سوزی می‌کنند

محکم شدن جایگاه بیرانوند در دورهٔ محرومیت!

نفس، تمرکز، خودباوری و روحیه مناسب دارد تا فاصله عملکردش در لباس ملی با باشگاهی کاهش یابد.

موفق در تیم ملی، نامطمئن در باشگاه

حسین حسینی شاید تنها رقیب بیرانوند باشد که در سال‌های اخیر با لباس ملی متربک کمترین حیف و میل فرصت‌ها شده است ولی او به نحوی دیگر امکان‌های بزرگ شدن و بالا بردن تعداد بازی‌های ملی خود را با واکنش‌های نامطمئن و سلسله لغزش‌ها در لیگ برتر از بین برده و طبیعتاً سستگرانی می‌توانسد در تورنمنت‌ها و دیدارهای بزرگ به میدان برود که در هر ۲ قامت ملی و باشگاهی مطمئن و موفق ظاهر شود. حسینی در گذشته موفق شده در ماه‌های منتهی به جام جهانی ۲۰۲۲ به پشتوانه عملکرد خوب مقابل امثال سنگال و بانگیزه ظاهرشدن در تمرینات گوی سبقت را از عابدزاده و نیازمند برآید و با بسته نگه داشتن دروازه‌اش مقابل ولز یکی از ۳ کلین‌شیت تاریخ فوتبال کشورمان در جام جهانی را انجام دهد و قطعاً اگر جایگاهش را در سپاهان از دست ندهد و برخلاف ۲ هفته نخست درپایش در گل‌های خورده‌تم تحت هدایت نزدیک‌ا دیده نشود، قابلیت یک رقابت بسیار جدی با بیرانوند و دیگر کاندیداهای دروازه تیم ملی را دارد.

مصیبت سال‌های گذشته ادامه دارد؟

به‌طور کلی مرور تاریخچه فوتبال ایران ثابت می‌کند نخستین باری نیست که در فوتبال ملی چنین فرصت‌سوزی‌هایی از سوی گلر‌ها اتفاق می‌افتد و مربیان تیم ملی سال‌های متعددی است که با چالش آمادسازی روحی و روانی دروازه‌بانان نیمکت‌نشین برای تبدیل‌شدن به چهره‌اصلی دست‌وپنجه‌رم می‌کنند. مهم‌ترین نمونه‌شکست تمهیدات کادرفنی یوزهایاروپرکرن جای‌خالی دروازه‌بان اصلی تیم ملی به مقدماتی جام جهانی ۱۹۹۴ برمی‌گردد که غلام‌محمد در دوازدهی دوری عابدزاده از مستطیل سبز با اشتباهاتش یک فاجعه آفرید و در جام جهانی ۱۹۹۸ واکنش نامناسب نکیساری‌شوت‌سنینشامپایلوویچ، ایران را در روزی که حشش برابر یوگسلاوی شکست نبود با اندوخن صفر امتیازی جریمه کرد. همچنین در جام جهانی گذشته زمانی که بینی بیرانوند مقابل انگلیس آسیب دید سر مربی تیم ملی شوک از دست دادن سنگربان اصلی خود را بسیار بد مدیریت کرد و این اتفاق روی عملکرد حسینی برابر ۳شیرها کاملاً تأثیرگذار بود. روی هم رفته اتفاقی که نیازمند مقابیل تاجیکستان پدید آورد را فقط نباید به حساب توانایی فنی ضعیف گلر ۳۰ ساله گذاشت و بخش عمده‌ای از این رخداد را باید نپرداختن و زمان نگذاشتن برای مسائل ذهنی دانست. کادرفنی به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند ضعفش در ایفای این نقش تأثیرگذار را گردن نگردد و انتظار می‌رود قلع‌منویری و دستیارانش شاگردان خود را برای دیدارهای آینده از نظر مسائل غیرفنی بهتر آماده کنند.



مؤثر در لیگ، کم اعتماد به نفس در تیم ملی

پیام نیازمند نخستین بار در اردوهای آمادسازی جام ملت‌های آسیا ۲۰۱۹ در لیست تیم ملی قرار گرفت و در این مدت ۱۰ مرتبه درون دروازه ایران ایستاده که حاصلش خوردن ۷ گل و ۵ کلین‌شیت بوده است. براساس اطلاعات موجود ۴ سر مربی اخیر تیم ملی همواره گلر گذشته سپاهان و کنونی پرسپولیس را به اردو دعوت کرده‌اند اما نیازمند با وجود کارنامه خوب در این سال‌ها، تا این لحظه کاراکتر لازم برای تبدیل شدن به سنگربان را نداشته و توقع می‌رفت بعد از درخشش مقابل تیم سابقش در مسابقات لیگ برتر از شرایط هموار اردوی جاری تیم ملی بیشترین سود ممکن را ببرد تا شانشش برای به میدان رفتن در جام جهانی ۲۰۲۶ بالا برود اما اشتباه بزرگش روی گل اول تاجیکستان و شک و تردید ۱۹ دقیقه بعدش بین خروج یا ایستادن روی خط دروازه که زمینه کامیک تاجیک‌ها را فراهم کرد نام نیازمند را در لیست مقصران تساوی تلخ مقابل تیم صودشومش رده‌بندی فدراسیون جهانی فوتبال قرار داد. البته تقابل مقابل تاجیکستان نخستین‌باری نبود که سنگربان ۳۰ ساله کوبن شانشش را با دستان خودش به آتش می‌کشد بلکه او پیش از این در مرحله دوم مقدماتی جام جهانی در مسابقه ایران مقابل هنگ‌کنگ که با پیروزی ۲ بر ۴ هموطن‌هایمان تمام شد با تأثیر بر حداقل یک گل رقیب، کادرفنی تیم ملی را مجاب به انتخاب حسینی به عنوان دروازه دوم تیم ملی کرد و قطعاً نیازمند برای اثبات شایستگی‌هایش احتیاج به کمی اعتماد به

ولی حداقل در یک سال اخیر چندین مرتبه شاهد تحمیل بار اضافی توسط گلرهای ملی‌پوش به دیگر نفرات و تیم بوده‌ایم.

لژیونری که دعوت نمی‌شود

بزرگ‌ترین دروازه‌بان فرصت‌سوز سال‌های اخیر تیم ملی امیر عابدزاده پنداشته می‌شود. پسر عقاب آسیا به لطف اشتباه عجیب بیرانوند مقابل لبنان که شاگردان اسکوپچ را تا یک قدمی شکست برد به ترکیب اصلی تیم ملی رسید و با واکنش‌های عالی برابر سوریه، عراق و امارات موفق شد ۳ کلین‌شیت به ایران هدیه‌بدهد ولی در مسابقه حساس مقابل کره جنوبی با اشتباهات تأثیرگذار روی گل نخست جنگ‌جویان تایگوک تمام برنامه‌های تاکتیکی ایران مقابل تیم تحت هدایت پائولو بنتو را برهم ریخت. همچنین این سنگربان لژیونر در دیدارهای تدارکاتی مقابل تیم دوم الجزایر و ارگوگنه عملکردش اضطراب‌آور بود تا بعد از مصدومیت حین بازی بیرانوند مقابل انگلیس، کی‌روش ترجیح دهد به حسینی اعتماد کند و عابدزاده در قطر نیز مثل جام جهانی ۲۰۱۸ نیمکت‌نشین باشد. دروازه‌بان فعلی باشگاه کاستیون بعد از حضور قلع‌منویری دیگر به اردوی تیم ملی دعوت نشده و حتی در وضعیت فعلی یعنی خالی بودن بیشه تیم ملی از سنگربان باکیفیت نامش در حد لیست مدعیان احتمالی دعوت به اردوهای بعدی نیز مطرح نمی‌شود و به نظر می‌رسد علت این اتفاق عدم استفاده بهینه او از فرصت‌هایی بود که در روزهای افت بیرانوند در اختیارش قرار گرفت.



امید نظری‌گوهر خبرنگار گروه ورزش

قلعه‌نویی در تورنمت کافا بسیاری از شاگردانش را همراه خود ندارد و حتی می‌توان گفت از غیبت برخی مهره‌های محبوبش رنج می‌برد. در میان مصدوم‌هایی مثل آژ مون، قلی‌زاده و عزت‌اللهی و عده‌ای که به دلیل شرایط سنی مناسب در این فینادی تیم ملی امید را در مسابقات مقدماتی جام ملت‌های زیر ۲۳ سال آسیا همراهی می‌کنند، جنس عدم حضور علیرضا بیرانوند در اردو یوزها متفاوت است و سنگربان ثابت سال‌های اخیر کشورمان اگر جریمه‌اش کاهش پیدا نکند باید به دلیل فسخ غیرقانونی تا ۲۰ آذر ماه از مستطیل سبز دور باشد.

بیرانوند با ۸۰ مرتبه ایستادن درون دروازه تیم ملی در بین سنگربان تاریخ فوتبال کشورمان رکورددار است و قطعاً به امید سه‌رقمی کردن تعداد بازی‌های ملی و کسب افتخارات بیشتر در قامت بازیکن باشگاهی روزهای دوری از فوتبال را می‌گذرانند. سنگربان فعلی تراکتور و گذشته پرسپولیس از میانه سال ۹۴ در تیم ملی از رقبایش سبقت گرفت و در نزدیک به یک دهه اخیر اکثر انتخاب نخست مسر مربیانی مثل کی‌روش، ویلموتس، اسکوپچ و قلعه‌نویی بوده و احتمال وقوع آرزو نخستش یعنی نوشته شدن عدد ۱۰۰ یا بیشتر در مقابل تعداد دیدارهای ملی‌اش منطقی به نظر می‌رسد. البته نباید فراموش کرد این دروازه‌بان ۳۲ساله طبق شواهد، کمی از روزهای اوچش فاصله گرفته و اگر می‌گوییم او می‌تواند تعداد بازی‌های ملی‌اش را افزایش دهد علتش فرصت سوزی و ناستواری رقباست.

آخرین نمونه سود نبردن حریفان باز از فرصت به دست آمده در مسابقات کافا ۲۰۲۵ به چشم آمد که پیام نیازمند در غیبت حسینی مصدوم و بیرانوند محروم در قامت یک چهره مطمئن ظاهر نشد و با اشتباهات فاجعه‌بارش روبه‌روی تاجیکستان کام سر مربی خود، همبازیانش و هواداران را تلخ کرد. شساید اگر کززال گلرهای مطمئن‌تری نسبت به گوهری و میرزازاد را با خود به مسابقات آسیایی مرکزی می‌برد نیازمند در مسابقه فینال با دورماندن از دروازه تنبیه می‌شد.

گمان می‌رود بعد از لغزش نیازمند دست و دل کادرفنی بیش از گذشته برای اعتماد به چهره دیگری جز بیرانوند می‌لرزد و این اتفاق برای تیمی که می‌خواهد در جام جهانی ۲۰۲۶ بهتر از دوره‌های گذشته نتیجه بگیرد اتفاق مثبتی برداشت نمی‌شود چون هیچ‌کدام از گزینه‌های موجود روی میز سنگربانان شش دانگی نیستند و با وجود مشکلات دفاعی محسوس، ایران محتاج گلری است که در برخی لحظات بیشتر از یک دروازه‌بان معمولی عمل کند و با مهارهای چشم‌نواز و محیرالعقولش جور ناتوانی بقیه را بکشد